

## تحلیل تأثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی به شهر

(مطالعه موردی: روستاهای الحاقی در شهر کاشان)

قدیر فیروزنیا\* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران  
سیدمهدی موسی کاظمی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران  
اعظم صادقی طاهری - کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور، مرکز گنبد کاووس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۷/۲۷

### چکیده

از جمله پیامدهای عمده شهرنشینی شتابان همانا گسترش فضایی شهرها و ادغام روستاها و اراضی پیرامونی شان در آنهاست. این پدیده دربردارنده آثار متعددی برای روستاهای ادغامی است. به نظر می‌رسد که آثار و تبعات اشاره شده، در روستاهای مختلف به نسبت فاصله‌شان از مرکز شهر، متفاوت باشد. در مقاله حاضر سعی شده است که آثار و پیامدهای ادغام هفت روستا در شهر کاشان به تفکیک و با توجه به فاصله آنها از مرکز شهر مورد مقایسه قرار گیرد تا تفاوت‌ها و تشابه‌های این تحول در روستاهای ادغامی آشکار شود. این پژوهش که مبتنی بر روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با استفاده از مطالعات اسنادی و میدانی وسیع از جمله مصاحبه، مشاهده و تکمیل ۲۶۰ پرسشنامه خانوار در روستاهای ادغامی و افراد خبره محلی و مسئولان شهرداری انجام پذیرفته است، مشخص می‌سازد که تفاوت عمده‌ای در روستاهای ادغامی وجود دارد و مهم‌ترین عامل تفاوت در میزان ادغام روستاها در شهر، فاصله روستاهای ادغامی با مرکز شهر است.

**کلیدواژه‌ها:** ادغام، روستاهای الحاقی در شهر، فاصله، میزان ادغام، کاشان.

## مقدمه

روند تحولات جمعیتی سکونتگاه‌های انسانی در نیم قرن اخیر گواه بر کاهش نسبت جمعیت روستایی به شهری است، به طوری که بر مبنای آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ میلادی ۷۰/۲ درصد (۱/۷۷ میلیارد نفر) از کل جمعیت جهان در روستاها سکونت داشته‌اند، و حدود ۳۰ درصد (۷۵۰ میلیون نفر) در شهرها. در سال ۲۰۰۰ این نسبت‌ها به ترتیب به ۵۲/۸ و ۴۶/۲ درصد تغییر یافت.

در کشورهای در حال توسعه در همین مقطع زمانی نسبت جمعیت روستایی و شهری به ترتیب از ۸۲/۲ و ۱۷/۸ درصد در سال ۱۹۵۰، به ۵۹/۶ و ۳۹/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ تغییر پیدا کرد. بر اساس برآوردها، نسبت جمعیت روستایی جهان برای سال ۲۰۲۵ برابر با ۴۱/۹ درصد، و جمعیت شهری ۵۷/۱ درصد است (UNPP, 2004).

مطالعه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد که سهم جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت به شکلی معکوس دگرگون شده، و نسبت جمعیت روستایی و شهری به ترتیب از ۶۸/۵ و ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۵ و ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ تغییر یافته است. به نظر می‌رسد که چهار عامل عمده در شکل‌گیری این تحولات نقش‌آفرین بوده‌اند: ۱- حرکت انبوه مردم (مهاجرت) از روستا به شهر؛ ۲- تبدیل برخی از روستاها به شهر؛ ۳- رشد طبیعی جمعیت شهرها؛ ۴- گسترش فیزیکی شهرها و به تبع آن ادغام روستاهای مجاور در فضای شهر (ضیاء توانا و قادرمزی، ۱۳۸۸، ۱۲۰). عوامل یاد شده - چه به صورت مجزا و چه تأثیر هم‌افزایی این عوامل - سبب شکل‌گیری نظام جدیدی از سکونتگاه‌ها می‌شود. در این بین گسترش فیزیکی شهرها و روستاها به سوی یکدیگر و جذب جمعیت مهاجر به سوی روستاهای پیراشهری در گسترش سریع تحول مذکور نقش مؤثرتری دارند.

بدین ترتیب گسترش فیزیکی شهر و همچنین جذب جمعیت مهاجر به روستاهای حاشیه

شهر و توسعه فیزیکی روستاهای مذکور به سوی شهر، به مرور زمینه الحاق - و سپس ادغام - روستاهای مذکور را در شهر فراهم ساخت. یکی از آثار این پدیده، افزایش گستره شهرها بوده است. معمولاً در کشورهای در حال توسعه، افزایش وسعت شهرها بیش از کشورهای توسعه یافته است<sup>۱</sup>.

با این حال، برخی از اظهار نظرها نشان می‌دهند که در ایالات متحد آمریکا سالیانه ۴۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی مرغوب و ۸۰۰۰۰۰ هکتار اراضی نامرغوب، صرف شهرنشینی می‌شوند (ضیاء توانا و قادرمزی، ۱۳۸۸، ۱۲۲). مطالعه زهانگ در سال ۲۰۰۰ درباره ادغام روستاهای پیرامونی در شهرهای چین، نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ حدود ۵/۸ میلیون هکتار زمین کشاورزی در این کشور از بین رفته و یا تغییر کاربری داده‌اند. در این میان ۱۸/۲ درصد اراضی مذکور به زیر ساخت‌وسازهای شهری رفته‌اند (همان، ۱۲۳). در پکن در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۷ وسعت شهر از ۴۶۷ کیلومتر مربع به ۱۰۰۰ کیلومتر مربع افزایش یافته است (IU Shenghe, Sylvia Prieler, LI Xiubin, 2002, 268).

مشاهدات حاکی از آن‌اند که در ایران پدیده گسترش فیزیکی شهرها و روستاها به سوی یکدیگر و تبدیل اراضی پیرامونی به سطوح شهری به شدت ادامه دارد، ولی آمار دقیقی در این زمینه موجود نیست. بررسی‌های پراکنده انجام‌شده نشان از گسترش پرشتاب سطوح شهری در زمین‌های کشاورزی و تبدیل اراضی مرتعی به کشاورزی دارند.<sup>۲</sup>

---

۱. این در حالی است که در کشورهای اروپایی، پس از جنگ جهانی دوم، با اجرای برنامه آمایش سرزمین مانع از تغییر کاربری اراضی کشاورزی به سطوح شهری شده‌اند (ضیاء توانا و امیرانتخابی ۱۳۸۶، ۱۱۱ و ۱۱۲).

۲. به عنوان مثال، در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ شهر سنندج بیش از ۱۰ برابر افزایش سطح داشته است (ضیاء توانا و قادرمزی، ۱۳۸۸، ۱۲۵).

تأثیر گسترش شهر به سمت روستاهای پیرامونی تا کنون مورد توجه عده‌ای از صاحب‌نظران قرار گرفته<sup>۱</sup>، ولی تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در زمینه نقش فاصله در ادغام روستاهای پیرامونی در شهر انجام نشده است. در این مقاله سعی شده است که به بررسی مقایسه‌ای آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و کالبدی ادغام در هفت روستای الحاقی در شهر کاشان پرداخته شود.<sup>۲</sup> بر این اساس، این پژوهش در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش انجام پذیرفته است که چه رابطه‌ای بین میزان ادغام روستاها در شهر (از لحاظ ابعاد کالبدی و اقتصادی و اجتماعی) و فاصله روستای ادغامی تا مرکز شهر وجود دارد. بر این اساس، این فرضیه مطرح می‌شود که روستاهای الحاقی که در فاصله نزدیک‌تری به مرکز شهر قرار دارند، بیش از بقیه (از لحاظ ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی) در شهر ادغام شده‌اند.

## مبانی نظری

از مهم‌ترین مباحثی که می‌بایست در زمینه رابطه شهر و روستا مورد توجه قرار گیرد، شرایط زمانی و مکانی است؛ چرا که حتی پدیده‌های یکسان در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، آثار متفاوتی نیز بر جای می‌نهد. در این زمینه سعیدی چنین می‌نویسد: «نحوه و دامنه روابط موجود میان شهر و روستا به صورت‌های گوناگون بر شکل‌پذیری، رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آنها اثر می‌گذارد، در خصوص نحوه این

---

۱ مانند: (رهنمایی (۱۳۶۹)، نظریان (۱۳۷۰ و ۱۳۸۸)، بدری (۱۳۸۰)، پوراحمد و همکاران (۱۳۸۲)، ضیاء توانا و شهرام امیرانتخابی (۱۳۸۶)، موحد و تقی‌زاده (۱۳۸۸)، پیله‌ور و همکاران (۱۳۸۲)، طاهرخانی و همکار (۱۳۸۳)، گلی (۱۳۸۳)، فیروزنیا و همکاران (۱۳۸۵)، نظریان (۱۳۸۸)، ضیاء توانا، و حامد قنادرز (۱۳۸۸)، و Lungo, M (2001); Scott, Allen. John (2002); IIU Shenghe, Sylvia; Prieler, LI Hamilton, D. K. (1999) Xiubin (2002), Doygun, H. (2005).

۲. روستای زیدی، فین کوچک، فین بزرگ، دیزچه، لتحر، طاهرآباد و خزاق به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۳، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۸ در شهر کاشان ادغام شده‌اند.

تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری، مفاهیم و نظرات مختلفی مطرح شده است. مستقل از برداشت‌های گوناگون نظری، آنچه که پیش از هر چیز باید در نظر گرفته شود، ویژگی‌های زمانی و مکانی است» (سعیدی، ۱۳۷۷، ب، ۱۲۳).

بدیهی است که عوامل متعدد طبیعی و انسانی در شکل‌گیری تحولات اجتماعی و اقتصادی در هر ناحیه جغرافیایی نقش‌آفرینی می‌کنند. ممکن است هر یک از عوامل مذکور، بسته به ویژگی‌های زمانی و مکانی نقش متفاوتی برعهده داشته باشند. یکی از این عوامل، مداخله دولت است. این مداخله در زمینه تحولات سکونتگاه‌های روستایی از دو طریق اعمال می‌شود: تبدیل روستا به شهر، و الحاق روستاهای نزدیک به شهر. برخی از مطالعات نشان از بهبود کیفیت زندگی روستاییان، از طریق ارتقای روستا به شهر دارند (رضوانی، ۱۳۸۹، ۶۰).

بر مبنای نظریه تأثیر متقابل فضای زندگی، که خود بر پایه عامل حرکت بنا نهاده شده است، طولانی‌ترین فاصله میان دو مکان، کمترین تأثیر متقابل میان آن دو را سبب می‌شود (شکویی، ۱۳۶۴، ۱۸۹ و ۱۹۰). در همین زمینه شکویی معتقد است که فاصله به عنوان عامل فیزیکی و اجتماعی، موجب جدایی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی از یکدیگر می‌شود (همان، ۱۸۹). در نظریه‌های مکان مرکزی و پخش یا پراکنش، فاصله جزو عوامل تأثیرگذار به شمار می‌آید (کلانتری، ۱۳۸۰، ۶۶؛ و شکویی، ۱۳۶۴، ۱۸۷ و ۱۱۷). در نظریه پخش، تأثیر مجاورتی جزو عوامل تسهیل‌کننده در برقراری تماس‌های اجتماعی محسوب می‌شود (شکویی، ۱۳۶۴، ۱۱۹).

بر اساس دیدگاه‌های مکتب علم فضایی، نقش فاصله و دیگر عوامل کالبدی و فضایی در کنار مقوله‌هایی چون ایدئولوژی حاکم، اهداف نظام‌های حکومتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی (مبتنی بر دیدگاه‌های مکتب جغرافیای ساختاری) همچنان در شناخت سازوکار استقرار جمعیت و نظام فضایی آن مورد توجه بوده است (شکویی و موسی‌کاظمی، ۱۳۸۴، ۸).

در تحقیقی که در زمینه عوامل مؤثر بر رشد و گسترش فیزیکی شهر سنندج انجام شده، مشخص گردیده است که عواملی همچون ویژگی‌های طبیعی و بستر اقلیمی، اقتصاد، تصمیم‌های حکمرانان، وضع اجتماعی و اقتصادی ساکنان شهر، تقسیمات ارضی و نحوه آبیاری اراضی، پیشینه تاریخی، مسیرهای مواصلاتی، رشد فرهنگ شهرنشینی، توسعه جریان اطلاعات، فشارهای ناشی از تورم جمعیت و بالاخره ناآرامی‌های داخلی، جنگ و تبعات اجتماعی - سیاسی آن، در گسترش این شهر نقش داشته‌اند (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴، ۸۷ و ۸۸).

مطالعات متعدد نقش فاصله یا بعد مسافت را در میزان تأثیرگذاری پدیده‌ها بر یکدیگر نشان داده‌اند. در زمینه مهاجرت نظریه راونشتاین به نقش فاصله مبدأ و مقصد در شدت و ضعف مهاجرت اشاره می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳۰). در نظریه فون تونن، فاصله از مرکز شهر به عنوان یکی از عوامل مؤثر مطرح می‌شود (شکویی، ۱۳۷۳، ۲۷۷). وی پس از بیان عوامل تأثیرگذار بر گسترش شهر بر زمین‌های کشاورزی - همچون تصمیمات سیاسی، تغییر استانداردهای زندگی، تغییر در تکنولوژی، تأثیرات نیروهای بازار و فشار توسعه شهر - نتیجه‌گیری می‌کند که تأثیر شهر بر زمین‌های کشاورزی و روستایی با عامل فاصله ارتباط مستقیم دارد و در واقع با فاصله‌گیری روستاها از شهرها سوداگری و احتکار زمین‌های کشاورزی کاهش می‌یابد و شهر فشار کمتری بر روستاها وارد می‌سازد (همان، ۲۸۹).

در تحقیق دیگری، تأثیر نقش فاصله در میزان ارتباط مهاجران با زادگاه‌شان مشخص شد (فیروزنیا، ۱۳۸۵). شکویی نیز برای تبیین نظریه پخش یا پراکنش جغرافیایی (ارائه شده به وسیله هاگستراند در مکتب جغرافیای زمان)، بر نقش فاصله تأکید می‌کند (شکویی، ۱۳۷۵، ۳۰۴ و ۳۱۰). به علاوه، فرید با ارائه نظریه رشد پیوندی، و بیان مثال‌هایی از ادغام روستاهای پیرامون تهران و اصفهان و تبریز، اظهار می‌دارد که شهر در مراحل رشد خود به تدریج حصارهای پیرامونی‌اش خود را درمی‌نوردد و پس از خروج از حصار دیرین، اراضی سبز و خرم روستاهای نزدیک را زیر سلطه و نفوذ خود می‌گیرد (فرید، ۱۳۶۸، ۱۶۰).

از دیگر پشتوانه‌های نظری که می‌تواند در روشن‌سازی تباینات فضایی ناشی از آثار و پیامد ادغام روستا در شهر کمک کند، موضوع تصمیم‌گیری (مفهوم کاوش فضایی از مکتب جغرافیای رفتار فضایی) است. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که سکونتگاه‌های انسانی حاصل تصمیم‌گیری انسان‌ها هستند. در این زمینه بیکن می‌نویسد: مجموعه تصمیمات افراد ساکن هر شهر شکل آن شهر را می‌سازد. لینچ در این باره با اشاره به عناصری از جامعه همچون خانوارها، مؤسسات، شرکت‌ها، سازندگان، سرمایه‌گذاران و جز آنها، این موضوع را یادآور می‌شود که چون هر کدام از اینها علایق و منافع یا نیازها و سلیقه‌های خاصی دارند، طیف متنوع و گسترده و متعدد این شرایط در صورت عدم کنترل به بی‌نظمی و اغتشاش می‌انجامد. بنابراین شهر باید کنترل (تنظیم) شود، چون زندگی شهری با هرج‌ومرج و بدون سازوکارهای انتظام‌بخش و قابل اجرا رو به انحطاط خواهد نهاد (صالحی، ۱۳۸۵، ۵۳).

بر این اساس برای پرهیز از بی‌نظمی و هرج‌ومرج، نقش ضوابط و مقررات و نقش تصمیم‌گیران که بر مبنای ضوابط و مقررات قانونی مجاز هستند به نمایندگی از مردم تصمیم‌گیری کنند، دارای اهمیت است. بدین ترتیب، امروزه تصمیمات مردم و نهادها<sup>۱</sup> و همچنین برنامه‌ریزان و مدیران شهری از عوامل مهم و تأثیرگذار در فرایند برنامه‌ریزی شهری است، و توسعه شهر را از لحاظ کمی و کیفی تعیین می‌کنند؛ به ویژه اینکه تصمیم‌گیری از مهم‌ترین تکالیف هر مدیری است (نیکواقبال، ۱۳۷۸، ۱۳۴).

بر مبنای قانون، پیشنهاددهنده و تصویب‌کننده الحاق روستا به شهر، مدیران در سطوح مختلف (محلی، ناحیه‌ای و ملی) هستند. تأثیر تصمیمات مدیران و مسئولان در فرایند ادغام روستاها در شهرها، از علل بروز آثار و پیامدهای متباین و متفاوت در روستاهای مختلف ادغامی

---

۱. نظام فعالیت‌ها از سوی نهادها تعیین و هدایت می‌شود و تغییر و توسعه نظام نهادها به تغییر الگوی فعالیت و به دنبال آن تجدید ساخت فضای شهر می‌انجامد (پارسی، ۱۳۸۱، ۴۵).

است، چرا که مدیران شهری با تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص منابع و انتخاب سمت‌وسوی برنامه‌های توسعه شهری، در واقع توسعه آتی شهر را به سمتی خاص تعیین می‌کنند. نقش تصمیم‌گیری در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه شهری هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که این تصمیم‌گیری در زمینه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه باشد. در پی اجرای طرح‌های توسعه، اقتصاد ناحیه‌ای دگرگون می‌شود و این دگرگونی تغییرات زیادی را در عناصر سیستم‌های شهری - ناحیه‌ای و کل سیستم بر جای می‌گذارد.

شکوبی تأثیرات طرح‌های توسعه و رابطه آن را با اقتصاد ناحیه، در چهار گروه طبقه‌بندی می‌کند: ۱. تأثیرات مستقیم؛ ۲. تأثیرات فزاینده ناحیه‌ای؛ ۳. تأثیرات جمعیتی؛ و ۴. واکنش مالی (شکوبی، ۱۳۷۳، ۳۹۹ تا ۴۰۱). این تأثیرات فرایند توسعه شهر در مسیری که روستاها در فاصله نزدیکی از شهر قرار دارند و به ویژه در مسیر خطوط مواصلاتی بیشتر نمود می‌یابد. به این ترتیب، بر اساس نظریات رفتار فضایی و نیز ساختارگرایی و تصمیم‌گیری، می‌توان آثار و پیامدهای متفاوت ناشی از فاصله را در الحاق و ادغام روستاها در شهر تحلیل کرد و اذعان داشت که فاصله می‌تواند جزو عوامل مؤثر در ایجاد آثار و پیامدهای متفاوت در فرایند ادغام روستاها در شهر به شمار آید.

### روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه وضعیت روستاهای مورد مطالعه، به تبیین آثار و پیامدهای حاصل از الحاق آنها در شهر می‌پردازد. بنابراین از دو شیوه اسنادی و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در تحقیق میدانی از روش پرسشنامه محقق‌ساخت (خانوار ساکن) استفاده شده است. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS (به‌صورت توصیفی، آزمون T، ویلکاکسون و همبستگی پیرسون) مورد تحلیل قرار گرفته است.

در سال ۱۳۸۷، جمعیت روستاهای الحاقی مورد مطالعه در شهر کاشان ۱۲۲۳۹ خانوار برآورد شده است. بر این اساس جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای مذکور (در محدوده سکونتگاه‌های الحاقی) است، که از بین آنها ۲۶۰ خانوار با استفاده از فرمول کوکران و بر اساس رویه‌های مورد تأیید آماری به عنوان نمونه تحقیق، تعیین شدند.

تعداد اعضای نمونه در بین سکونتگاه‌های الحاقی بر مبنای روش نمونه‌گیری وزنی (تخصیص متناسب) مشخص شدند و در درون هر روستا اعضای نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

در این تحقیق از ۵۰ گویه به تفکیک ابعاد توسعه پایدار استفاده شد. در ابعاد اقتصادی متغیرهایی همچون فرصت‌های شغلی جدید، فرصت شغلی برای زنان، میزان رضایت از شغل، ثبات شغلی، تغییرات درآمدی و تغییر قیمت زمین (مسکونی - کشاورزی، صنعتی و خدماتی)، مالکیت اراضی و آب، دستیابی به منابع مالی، ابزارها و ادوات تولید، میزان مصرف محصولات تولیدی و کشاورزی - و نیز غیرتولیدی - گرایش به مصرف کالاهای تجملی مد نظر قرار گرفته است.

برای سنجش آثار اجتماعی، از متغیرهایی چون کاهش انگیزه فعالیت در عرصه کشاورزی، تغییر در نوع نگرش مردم به شیوه زندگی، تغییر انگیزه جوانان برای سکونت و اشتغال در روستا، حس تعلق خاطر مردم به محل سکونت، تغییر در مهاجرت روستاییان به شهرها، انسجام درونی (جمعیت الحاقی) و انسجام با جمعیت شهر استفاده شده است. مؤلفه‌ها در این میان عبارت بوده‌اند از: روابط اجتماعی با مردم بومی، روابط اجتماعی با مردم تازه‌وارد به ناحیه، برقراری رابطه خویشاوندی (از طریق ازدواج)، کمک و همکاری در امور، شرکت در مراسم عمومی (اعیاد مذهبی و جشن / عزاداری)، و تعارض اجتماعی و فرهنگی میان روستای الحاقی و شهر. برای بررسی تأثیرهای کالبدی نیز از این متغیرها استفاده شده است؛ تغییر اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی، کاربری‌های صنعتی، خدماتی و مسکونی، بهبود دسترسی و افزایش

کیفیت امکانات و خدماتی چون آب لوله‌کشی شده بهداشتی، مخابرات، راه ارتباطی و شبکه حمل‌ونقل، زیباسازی معابر، بانک، فضای سبز، خدمات آموزشی و بهداشتی و درمانی، و نیز خدمات اداری و فضاهای تفریحی و ورزشی.

واحد تحلیل این اثر سرپرست خانوارهای ساکن در سکونتگاه‌های الحاقی بوده است و تحلیل‌ها نیز در سطح سکونتگاه‌های الحاقی در شهر کاشان و در ابعاد کالبدی و اقتصادی و اجتماعی انجام گرفته‌اند.

برای آزمون فرضیه تحقیق، نخست تأثیر الحاق روستا به شهر بر روی گویه‌های تحقیق با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت (پایایی گویه‌های تحقیق با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹ به دست آمده است). در گام دوم برای سنجش تأثیر الحاق روستاها در شهر کاشان در هر یک از ابعاد اجتماعی و اقتصادی و کالبدی هر کدام از روستاها، نتایج سنجش گویه‌ها با استفاده از دستور Compute variable در یکدیگر ترکیب شدند و در نهایت از هر بعد یک نماگر به دست آمد و با استفاده از آزمون T مورد آزمون قرار گرفت.

### محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه، شهر کاشان و روستاهای الحاقی شامل لتجر، زیدی، فین کوچک، فین بزرگ، دیزچه، طاهرآباد و خزاق در ۲۲۸ کیلومتری جنوب تهران و ۲۰۲ کیلومتری شمال اصفهان است. در شمال و شرق شهر کاشان کویر مرکزی ایران واقع است، و در جنوب و غرب آن ارتفاعات قرار دارند. روستاهای طاهرآباد و خزاق در نواحی کویری، روستای زیدی نزدیک به نواحی مرکزی شهر کاشان، و روستاهای فین کوچک و فین بزرگ و دیزچه نزدیک به نواحی کوهستانی واقع شده‌اند. نزدیکی سه روستای اخیر به نواحی کوهستانی، آب و هوای نسبتاً مطلوب‌تری را در قیاس با دیگر نواحی کاشان به آنها بخشیده است و می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از دلایل گسترش شهر به سمت آنها - علاوه بر فاصله اندک - وجود اقلیم مطلوب

است. در آبان ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان کاشان ۳۰۲۶۳۷ نفر بود، که از این تعداد ۹۰/۱ درصد در ۶ نقطه شهری (کاشان، قمصر، برزک، نیاسر، جوشقان و کامو، مشکات) و ۹/۸ درصد در نقاط روستایی (۱۰۵ آبادی مسکونی) سکونت داشته‌اند. در این بین شهر کاشان (با ۲۵۳۵۰۹ نفر) به تنهایی ۸۳/۷ درصد جمعیت شهرستان را در خود جای داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از مهم‌ترین عوامل افزایش جمعیت شهر کاشان الحاق هفت روستای فین کوچک، فین بزرگ، زیدی، دیزچه، لتحر، طاهرآباد و خزاق است. این روستاها که جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند، در فواصل متفاوتی از مرکز شهر استقرار یافته‌اند. طاهرآباد و خزاق در فاصله ۱۲ و ۱۳ کیلومتری قرار دارند و روستاهای زیدی، فین کوچک، فین بزرگ، لتحر و دیزچه به ترتیب در فاصله ۳، ۴، ۵، ۴ و ۵ کیلومتری از مرکز شهر کاشان واقع شده‌اند.

### یافته‌های تحقیق

الحاق روستاهای مورد مطالعه به شهر کاشان تغییرات و تحولات زیادی را در سکونتگاه‌های الحاقی به شهر به وجود آورده است که پس از معرفی مختصر ویژگی‌های اعضای جامعه نمونه به بررسی این تحولات پرداخته می‌شود.

### ترکیب سنی اعضای جامعه نمونه

بر اساس اطلاعات جدول ۱ حدود ۲۹/۹ درصد پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۵۴/۸ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۶۰ و ۱۴/۹ درصد نیز در گروه سنی بیش از ۶۰ سال قرار گرفتند. در تک تک سکونتگاه‌های الحاقی نیز بخش عمده خانوارهای مورد مطالعه در گروه سنی ۳۰ تا ۶۰ سال جای داشتند.

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر اساس سن

گروه سنی	زیدی		فین کوچک		فین بزرگ		دیزیجه		لتحر		طاهرآباد		خزاق		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۳۹	۴۸/۸	۶	۱۳/۳	۱۲	۳۰	۸	۳۲	۳	۷/۵	۸	۴۰	۲	۲۰	۷۸	۲۹/۹
۳۰-۶۰	۳۶	۴۵	۳۱	۶۸/۹	۱۸	۴۵	۱۳	۵۲	۲۹	۷۲/۵	۱۰	۵۰	۶	۶۰	۱۴۳	۵۴/۸
بیش از ۶۰	۵	۶/۳	۸	۱۷/۸	۱۰	۲۵	۴	۲۵	۸	۲۰	۲	۱۰	۲	۲۰	۳۹	۱۴/۹
جمع	۸۰	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی

### ترکیب جنسی

جدول ۲ نشان می‌دهد که از ۲۶۰ سرپرست خانواده مورد نظر ۲۲۹ نفر (۸۸ درصد) مرد و ۳۱ نفر (۱۲ درصد) زن بوده‌اند. این جدول همچنین نشان می‌دهد که بالاترین درصد زنان سرپرست خانوار متعلق به فین کوچک و فین بزرگ است.

جدول ۲. وضعیت جنسی سرپرست خانوارهای نمونه

جنس	زیدی		فین کوچک		فین بزرگ		دیزیچه		لتحر		طاهراآباد		خزاق		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مرد	۷۲	۹۰	۳۶	۸۰	۳۳	۸۲/۵	۲۱	۸۴	۴۰	۱۰۰	۱۷	۸۵	۱۰	۱۰۰	۲۲۹	۸۸/۱
زن	۸	۱۰	۹	۲۰	۷	۱۷/۵	۴	۱۶	۰	۰	۲	۱۵	۰	۰	۳۱	۱۱/۹
مرد	۸۰	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۲۶۰	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی

### میزان تحصیلات

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۵/۸ درصد اعضای جامعه آماری بی‌سواد هستند، که بالاترین رقم در این گروه به روستای طاهراآباد تعلق دارد؛ و ۹/۶ درصد اعضای جامعه نمونه نیز دارای سواد خواندن و نوشتن هستند، که در این میان بالاترین نسبت در بین سکونتگاه‌های مورد مطالعه به فین بزرگ و لتحر اختصاص دارد. گروه دارای سواد ابتدایی نیز ۱۸/۱ درصد اعضای جامعه نمونه را تشکیل می‌دهد، که بیشترین نسبت از آن روستای خزاق با ۴۰ درصد است. دیگر اینکه ۲۱/۵ درصد جامعه نمونه مدرک تحصیلی سیکل دارند.

در بین سکونتگاه‌های الحاقی بالاترین نسبت متعلق به فین بزرگ با ۴۲/۵ درصد است و کمترین متعلق به خزاق با ۱۰ درصد. گروه دیپلمه‌ها با ۲۸/۱ درصد بالاترین نسبت را به خود اختصاص داده است. لتحر با ۳۵ درصد بالاترین نسبت باسوادی این گروه را دارد.

به‌علاوه، ۱۶ درصد از پاسخگویان نیز دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بوده‌اند. در بین

سکونتگاه‌ها، زیدی با ۲۷/۵ درصد خانوارهای دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم، در رده نخست جای دارد.

جدول ۳. وضعیت سواد جامعه نمونه

سطح سواد	زیدی		فین کوچک		فین بزرگ		دیزیچه		لتحر		طاهراباد		خزاق		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بی سواد	۶	۷،۵	۰	۰	۰	۰	۵	۱۲،۵	۴	۲۰،۰	۰	۰	۰	۰	۱۵	۵،۸
خواندن و نوشتن	۷	۸،۸	۱	۲،۲	۷	۱۷،۵	۱	۴،۰	۷	۱۷،۵	۲	۱۰،۰	۰	۰	۲۵	۹،۶
ابتدایی	۸	۱۰،۰	۱۷	۳۷،۸	۴	۱۰،۰	۶	۲۴،۰	۸	۲۰،۰	۴	۲۰،۰	۴	۴۰،۰	۳۷	۱۸،۱
سیکل	۱۱	۱۳،۸	۹	۲۰،۰	۱۷	۴۲،۵	۸	۳۲،۰	۶	۱۵،۰	۶	۳۰،۰	۱	۱۰،۰	۵۶	۲۱،۵
دیپلم	۲۶	۳۲،۵	۱۰	۲۲،۲	۵	۱۲،۵	۷	۲۸،۰	۱۴	۳۵،۰	۴	۲۰،۰	۵	۵۰،۰	۷۳	۲۸،۱
بالاتر از دیپلم	۲۲	۲۷،۵	۸	۱۷،۸	۷	۱۷،۵	۳	۱۲،۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۴	۹،۶
کل	۸۰	۱۰۰،۰	۴۵	۱۰۰،۰	۴۰	۱۰۰،۰	۲۵	۱۰۰،۰	۴۰	۱۰۰،۰	۴۰	۱۰۰،۰	۱۰	۱۰۰،۰	۲۶۰	۱۰۰

### تحولات جمعیتی

جدول ۴ بیانگر تحولات جمعیتی روستاهای الحاقی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، جمعیت آنها به تدریج روند صعودی را طی کرده و در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایش بیشتری نیز یافته است. به نظر می‌رسد این امر ناشی از الحاق روستاهای مذکور به شهر کاشان باشد. مشاهده وضعیت رشد جمعیت در بین این سکونتگاه‌ها نشان‌دهنده افزایش جدی این نرخ در دو روستای زیدی و فین کوچک است. یکی از دلایل این امر ادغام کامل روستای زیدی در شهر کاشان و توسعه ساخت‌وسازهای جدید شهری در حواشی فین کوچک است.

جدول ۴. تحولات جمعیتی روستاهای الحاقی در شهر کاشان

نام روستا	تعداد جمعیت						نرخ رشد جمعیت در دوره
	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	
فین کوچک	۱۲۱۷	۱۵۱۶	۳۴۰۲	۴۲۵۹	۱۰۱۰۲	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۵/۴
فین بزرگ	۳۰۰۴	۳۹۲۶	۴۹۰۵	۵۶۴۸	۹۷۱۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۳/۰
زیدی	۷۹۰	۱۱۰۶	۱۹۵۴	۶۷۸۰	۱۵۶۲۸	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۷/۷
لتحر	۲۲۶۰	۳۱۱۵	۴۲۱۵	۵۹۷۵	۸۷۶۰	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۳/۴
دیزچه	۲۱۰۰	۲۴۲۵	۲۹۰۰	۳۳۱۵	۴۵۶۰	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۲/۰
طاهرآباد	۱۷۰۸	۲۲۸۶	۳۰۳۵	۳۲۸۷	۳۴۰۴	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱/۷
خزاق	۵۴۶	۸۳۰	۱۱۲۳	۱۲۰۷	۱۳۲۶	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۲/۲
جمع	۱۱۶۲۵	۱۵۲۰۴	۲۱۵۳۴	۳۰۴۷۱	۵۳۴۹۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۳/۹

تعداد مؤسسات آموزشی، درمانی، مذهبی و تولیدی، قبل از الحاق در شهر، و پس از آن پس از الحاق روستاها در شهر کاشان، همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تغییرات زیادی در این سکونتگاه‌ها به وجود آمده است. تعداد مؤسسات آموزشی از ۳۰ واحد به ۴۰ واحد افزایش یافته است. با توجه به اینکه روستاهای نزدیک‌تر به شهر کاشان می‌توانند از مؤسسات آموزشی درون شهر که تنوع بیشتری نیز دارند استفاده کنند، تعداد مؤسسات آموزشی در این میان کمتر افزایش یافته است. تا حدودی این وضعیت در زمینه افزایش مؤسسات درمانی نیز به چشم می‌خورد. تعداد مؤسسات مذهبی (مساجد و حسینیه‌ها) از ۲۹ واحد به ۷۴ واحد (متوسط ۴ واحد به ۱۰/۶ واحد) افزایش یافته است. بیشترین تعداد نیز به زیدی و فین کوچک تعلق دارد.

تعداد انبارها که به تبعیت از الحاق روستا به شهر افزایش می‌یابد، در منطقه مورد مطالعه نیز افزایش یافته و از ۱۱۸ واحد به ۱۵۱ (متوسط ۱۷ واحد به ۲۱ واحد) فزونی گرفته است. تعداد کارگاه‌های صنایع دستی - برخلاف دیگر مؤسسات - با روند نزولی مواجه بوده و از ۹۸۲ واحد به ۶۸۹ واحد (متوسط ۱۴۰ به ۹۸ واحد) کاهش یافته است. بخش عمده این کاهش

مربوط به کارگاه‌های قالی‌بافی است که با الحاق روستا در شهر و تغییر سبک زندگی مردم، از تعداد آنها کم شده است.

تعداد دامداری‌های صنعتی و نیمه‌صنعتی از متوسط ۱/۳ قبل از الحاق، به ۵/۷ واحد افزایش یافته است. در این میان بیشترین افزایش مربوط به روستا فین کوچک و لتجر است که هم از نظر فاصله با مرکز شهر و هم از نظر دسترسی به اراضی مناسب، زمینه مناسبی در این روستاها وجود دارد. واحدهای پرورش ماهی زینتی، مرغداری و کارگاه صنعتی نیز روند روبه رشدی داشته‌اند. افزایش تعداد دامداری و مرغداری در روستاهای الحاقی در شهر، برخلاف روند گسترش فیزیکی شهر، به پیرامون است و در نوشتارهای پژوهشی نیز به آن اشاره شد است. این موضوع به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد، زیرا تعداد دام‌ها و خانوارهای بهره‌بردار از آنها در روستاهای الحاقی، روندی نزولی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. تعداد مؤسسات آموزشی، درمانی، مذهبی و تولیدی قبل و بعد از الحاق در شهر

۲۱/۴	۱۵۰	۵	۸	۳۵	۴۵	۲۵	۲۳	۹	بعد از الحاق	کارگاه صنعتی
۱۲	۸۴	۳	۵	۲۴	۲۳	۱۵	۱۰	۴	قبل از الحاق	
۹/۶	۶۷	۵	۷	۸	۱۰	۲۰	۹	۸	بعد از الحاق	تعداد مرغداری
۴/۳	۳۰	۲	۵	۳	۵	۸	۵	۲	قبل از الحاق	
۲۶	۱۸۳	۶	۱۲	۲۵	۳۴	۳۲	۴۶	۲۸	بعد از الحاق	تعداد مزرعه پرورش ماهی زینتی
۱۱/۶	۸۱	۴	۵	۱۷	۱۵	۱۷	۱۳	۱۰	قبل از الحاق	
۵/۷	۴۰	۴	۵	۸	۶	۷	۶	۴	بعد از الحاق	واحدهای دامداری صنعتی و نیمه‌صنعتی دام
۱/۳	۹	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۱	قبل از الحاق	
۹۸	۶۸۹	۷۶	۹۳	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۲	۹۸	۸۸	بعد از الحاق	کارگاه‌های صنایع دستی
۱۴۰	۹۸۲	۹۲	۱۰۰	۱۸۵	۱۶۹	۱۸۵	۱۵۰	۱۰۵	قبل از الحاق	
۲۱/۶	۱۵۱	۷	۱۲	۱۹	۱۸	۳۲	۴۵	۱۸	بعد از الحاق	تعداد انبار
۱۷	۱۱۸	۵	۱۰	۱۸	۱۵	۲۳	۳۵	۱۲	قبل از الحاق	
۱۰/۶	۷۴	۶	۸	۱۵	۱۳	۱۰	۱۴	۸	بعد از الحاق	مذهبی
۴	۲۹	۴	۵	۴	۵	۴	۳	۴	قبل از الحاق	
۳/۶	۲۵	۱	۲	۶	۵	۴	۴	۳	بعد از الحاق	درمانی
۲/۱	۱۵	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	قبل از الحاق	
۵/۷	۴۰	۶	۶	۵	۶	۶	۶	۵	بعد از الحاق	آموزشی
۴/۳	۳۰	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۴	قبل از الحاق	

منبع: نتایج مطالعات میدانی تحقیق، ۱۳۸۸

### سطح زیرکشت اراضی کشاورزی و تعداد دام‌ها، قبل و بعد از الحاق در شهر

بررسی روند تغییر کاربری اراضی (کاهش سطح زیرکشت اراضی زراعی و باغی) و تعداد دام‌های بزرگ و کوچک قبل و بعد از الحاق، نشانگر روند کاهشی است؛ به گونه‌ای که سطح زیرکشت از ۱۰۲۲ هکتار به ۴۲۰ هکتار، و متوسط سطح زیرکشت اراضی باغی از ۱۴۶ هکتار به ۶۰ هکتار کاهش یافته است. کمترین کاهش مربوط به دو روستای خزاق و طاهرآباد است که در فاصله دورتری از مرکز شهر قرار دارد. تعداد خانوارهای بهره‌بردار نیز روندی کاهشی داشته و در مجموع از ۱۳۵۳ خانوار به ۵۳۶ خانوار، و متوسط تعداد خانوارهای بهره‌بردار از ۱۹۳ خانوار به ۷۶ خانوار کاهش یافته است. از این لحاظ نیز کمترین کاهش مربوط به روستای خزاق و طاهرآباد است که در فاصله دورتری از مرکز شهر قرار دارد.

سطح اراضی باغی هم از روندی کاهشی حکایت دارد، به گونه‌ای که مجموع سطح اراضی باغی هفت روستای مورد مطالعه از ۸۱۱ هکتار، به ۳۰۹ هکتار و متوسط اراضی باغی هر روستا از ۱۱۶ هکتار به ۴۴ هکتار کاهش یافته است. تعداد خانوارهای بهره‌بردار از اراضی باغی نیز از ۱۲۰۳ خانوار به ۵۳۳ خانوار و متوسط اراضی باغی روستاهای مورد مطالعه از ۱۷۲ خانوار به ۷۶ خانوار کاهش یافته است. کمترین کاهش در این زمینه هم مربوط به روستاهایی است که در فاصله دورتری از مرکز شهر قرار دارند؛ و روستاهای نزدیک‌تر به مرکز شهر، به دلیل گسترش نواحی مسکونی، به‌ناگزیر اراضی زراعی و باغی بیشتری را از دست داده‌اند. تعداد دام‌های کوچک و بزرگ و تعداد خانوارهای بهره‌بردار دامدار نیز بسیار کاهش یافته است، که در جدول ۶ می‌توان آن را مشاهده کرد.

جدول ۶. تعداد کاربری‌های روستاهای الحاقی بعد از الحاق در شهر

نام روستا	اراضی زراعی				اراضی باغی				دام کوچک				دام بزرگ			
	سطح زیر کشت		تعداد خانوار بهره‌بردار		سطح زیر کشت		تعداد خانوار بهره‌بردار		تعداد دام		تعداد بهره بردار		تعداد بهره‌بردار	تعداد دام		
	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق	قبل از الحاق	بعد از الحاق		
دیزچه	۱۷۲	۴۳	۹۰	۳۴	۵۰	۲۰	۸۰	۳۴	۹۴۰	۳۰۰	۳۵	۱۵	۴۵۰	۴۲	۲۵	۱۵
زیدی	۱۹۸	۳۵	۲۶۰	۵۲	۱۵۰	۳۵	۲۱۷	۷۸	۱۸۵۰	۳۵۰	۸۷	۵۷	۸۰۰	۳۴	۶۵	۳۲
لتحر	۱۸۰	۹۴	۲۵۷	۱۰۱	۱۶۳	۷۸	۳۰۰	۱۲۰	۱۲۰۰	۴۰۰	۷۶	۴۸	۱۰۵	۵۰	۵۶	۳۸
فین بزرگ	۱۴۵	۴۶	۲۳۳	۷۸	۱۷۸	۴۶	۲۰۰	۶۲	۱۲۷۸	۳۸۰	۱۰۲	۷۶	۹۵۰	۲۱۷	۸۰	۲۵
فین کوچک	۱۵۰	۳۸	۲۱۰	۵۶	۱۳۵	۳۲	۱۵۰	۵۵	۱۱۵۰	۲۹۰	۸۸	۷۳	۸۴۲	۲۸۷	۸۷	۳۰
طاهرآباد	۹۷	۸۶	۱۷۳	۱۲۰	۹۵	۶۷	۱۶۸	۱۱۲	۱۷۰۰	۴۵۰	۸۰	۶۰	۶۰۰	۴۵۰	۶۰	۴۸
خزاق	۸۰	۷۸	۱۴۰	۹۵	۴۰	۳۱	۸۸	۷۲	۷۵۰	۴۱۲	۹۵	۴۰	۴۰۰	۳۳۴	۴۲	۳۹
جمع	۱۰۲۲	۴۲۰	۱۳۵۳	۵۳۶	۸۱۱	۳۰۹	۱۲۰۲	۵۳۳	۸۸۶۸	۲۵۸۲	۵۶۳	۳۶۹	۴۱۴۷	۱۴۱۴	۴۱۵	۲۲۷
متوسط	۱۴۶	۶۰	۱۹۳	۷۶/۶	۱۱۶	۴۴	۱۷۲	۷۶	۱۲۶۷	۳۶۹	۸۰	۵۳	۵۹۲	۲۰۲	۵۹	۳۲

منبع: نتایج مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

### تأثیر فاصله روستاهای الحاقی از مرکز شهر و سمت و سوی توسعه برنامه‌های شهری در میزان ادغام روستاها

یافته‌ها نشان از آن داشت که در روستاهای مورد مطالعه الحاق روستا در شهر پیامدهای متعددی به همراه داشته، به ویژه اینکه باعث شده‌اند برخی از روستاها - همچون زیدی - در ابعاد مختلف کالبدی و اقتصادی و اجتماعی در شهر ادغام شوند و برخی دیگر - همچون فین بزرگ، فین کوچک، دیزچه و لتحر - در دو عرصه در شهر ادغام شوند (در واقع می‌توان آن را ادغامی متوسط برشمرد). دو روستای خزاق و طاهرآباد صرفاً در عرصه اقتصادی در شهر کاشان ادغام شده‌اند و چه بسا بتوان گفت که تنها به کاشان ملحق گردیده‌اند و به تعبیر دیگر، با ادغام ضعیفی مواجه شده‌اند. جدول‌های ۷ و ۸ دیدگاه‌های جامعه نمونه (سرپرست خانوارها) را در زمینه تأثیرگذاری الحاق روستا به شهر در مؤلفه‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۷. وضعیت شغلی اعضای خانوار بعد از الحاق روستاها در شهرکاشان

فرد شاغل	مؤلفه	بدون تأثیر		کم		زیاد		خیلی زیاد	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سرپرست خانوار	ثبات شغلی	۱۶۲	۳۲٫۳	۶۱	۲۳٫۵	۳۲	۱۲٫۳	۵	۱٫۹
	رضایت از نوع شغل	۴۲	۱۶٫۲	۱۴۱	۵۴٫۲	۷۶	۲۹٫۲	۱	۰٫۴
	رضایت از میزان درآمد	۲۵	۹٫۶	۱۴۸	۵۶٫۹	۸۶	۳۳٫۱	۱	۰٫۴
	ثبات درآمد	۵۲	۲۰	۱۴۳	۵۵	۶۵	۲۵	۰	۰
	دوره زمانی اشتغال در سال	۵۹	۲۲٫۷	۱۱۶	۴۴٫۶	۷۸	۳۰	۷	۳
	فاصله محل کار تا محل سکونت	۶۶	۲۵٫۴	۱۰۶	۴۰٫۸	۷۳	۲۸٫۱	۱۵	۶
	افزایش درآمد	۱۸	۶٫۹	۱۲۱	۴۶٫۵	۱۰۰	۳۸٫۵	۲۱	۸٫۱
همسر	خانه‌داری بدون تغییر	۲۴۲	۹۳٫۱	۱۲	۴٫۶	۴	۱٫۵	۲	۰٫۸
	ایجاد فرصت شغلی در بیرون از خانه	۱۵۶	۶۰	۸۲	۳۱٫۵	۲۰	۷٫۷	۲	۰٫۸
	ثبات شغلی	۱۶۶	۶۳٫۸	۷۱	۲۷٫۳	۲۳	۸٫۹	۰	۰
	رضایت از نوع شغل	۱۷۰	۶۵٫۴	۵۹	۲۲٫۷	۲۹	۱۱٫۲	۲	۰٫۸
	رضایت از میزان درآمد	۱۶۷	۶۴٫۲	۶۶	۲۵٫۴	۲۷	۱۰٫۴	۰	۰
	ثبات درآمد	۱۶۵	۶۳٫۵	۷۹	۳۰٫۴	۱۴	۵٫۴	۲	۰٫۸
	دوره زمانی اشتغال در سال	۱۹۲	۷۳٫۸	۶۳	۲۴٫۲	۵	۱٫۹	۰	۰
	فاصله محل کار تا محل سکونت	۱۹۴	۷۴٫۶	۵۸	۲۲٫۳	۶	۲٫۳	۱۱	۰٫۸
افزایش درآمد	۱۶۸	۶۴٫۶	۶۶	۲۵٫۴	۲۶	۱۰	۰	۰	
فرزندان	تعداد شاغلان	۱۱۹	۴۵٫۸	۱۰۵	۴۰٫۴	۳۴	۱۳٫۱	۲	۰٫۸
	ثبات شغلی	۹۲	۳۵٫۴	۱۳۷	۵۲٫۷	۳۱	۱۱٫۹	۰	۰
	رضایت از نوع شغل	۹۱	۳۵	۸۶	۳۳٫۱	۷۹	۳۰٫۴	۴	۱٫۵
	رضایت از میزان درآمد	۹۱	۳۵	۸۶	۳۳٫۱	۷۹	۳۰٫۴	۴	۱٫۵
	ثبات درآمد	۸۶	۳۳٫۱	۹۱	۳۵	۷۹	۳۰٫۴	۴	۱٫۵
	دوره زمانی اشتغال در سال	۹۰	۳۴٫۶	۸۹	۳۴٫۲	۶۹	۲۶٫۵	۱۲	۴٫۶
	فاصله محل کار تا محل سکونت	۱۰۰	۳۸٫۵	۹۵	۳۶٫۵	۵۶	۲۱٫۵	۹	۳٫۵
	افزایش درآمد	۸۵	۳۲٫۷	۷۷	۲۹٫۶	۶۱	۲۳٫۵	۳۷	۱۴٫۲

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۸. توزیع فراوانی پاسخ سرپرست خانوارها در مورد میزان تأثیر الحاقی روستاها در شهر

ردیف	میزان تأثیرگذاری (درصد)					مؤلفه‌ها	انواع
	زیاد	زیاد	متوسط	کم	کم		
۱۰۰	۵/۴	۱۷/۷	۳۳/۱	۳۶	۷/۷	افزایش اشتغال زنان در امور خدماتی	اقتصادی
۱۰۰	۴	۲۷/۷	۸/۴۸	۱۶/۲	۲/۷	افزایش اشتغال جوانان	
۱۰۰	۱۲/۷	۳۰/۵	۳۶/۵	۱۸/۵	۱/۵	جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی در فعالیتهای صنعتی	
۱۰۰	۹/۲	۲۲/۳	۵۲/۷	۱۵	۰/۸	افزایش فرصتهای شغلی جدید	
۱۰۰	۱۰/۵	۳۳/۵	۴۹/۲	۵	۱/۵	بالا رفتن قدرت خرید مردم	
۱۰۰	۲۲/۳	۴۰	۳۴/۲	۱/۹	۱/۵	افزایش هزینه‌های عمومی	
۱۰۰	۵/۴	۲۵	۶۵/۸	۳/۸	۰	افزایش امکان خرید و فروش اراضی	
۱۰۰	۱۹/۶	۳۱/۹	۴۰	۸/۵	۰	افزایش قیمت اراضی	
۱۰۰	۱۱/۵	۳۳/۸	۴۹/۲	۵/۴	۰	بهبود سطح آموزش، بهداشت و مسکن	اجتماعی
۱۰۰	۱۱/۲	۲۴/۲	۳۶/۵	۲۲/۷	۵/۴	افزایش مشارکت مردم روستا در تهیه و اجرای طرح‌های شهری	
۱۰۰	۵/۴	۲۵/۴	۴۹/۲	۱۷/۷	۲/۳	گسترش ضوابط و قوانین شهری در این ناحیه	
۱۰۰	۱۶/۶	۳۹/۲	۴۲/۳	۱/۲	۰/۸	افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی مردم	
۱۰۰	۳/۸	۳۲/۷	۴۵/۴	۱۱/۵	۶/۵	کمرنگ شدن مشارکت اجتماعی	
۱۰۰	۱۱/۲	۲۳/۵	۳۵/۴	۲۱/۹	۸/۱	افزایش آسیب‌های اجتماعی	
۱۰۰	۱۷/۳	۴۰/۸	۳۳/۵	۷/۷	۰/۸	تغییر الگوی مصرف	
۱۰۰	۳۰	۳۳/۱	۲۸/۱	۸/۱	۰/۸	افزایش چشم و هم‌چشمی	
۱۰۰	۴/۶	۱۷/۳	۵۰	۲۵/۸	۲/۳	کاهش آرامش	
۱۰۰	۸/۱	۳۸/۸	۳۴/۶	۱۵	۳/۵	افزایش دلهره و نگرانی	
۱۰۰	۱۵	۴۱/۹	۳۳/۵	۹/۶	۰	افزایش تعداد معتادان	
۱۰۰	۸/۱	۳۱/۹	۴۵	۱۱/۹	۳/۱	کاهش امنیت اجتماعی	
۱۰۰	۱۷/۷	۴۲/۷	۳۲/۳	۶/۹	۰/۴	ازدحام جمعیت	
۱۰۰	۸/۸	۲۱/۲	۶۰	۱۰	۰	کاهش تمایل برای مهاجرت به شهر	
۱۰۰	۱۱/۵	۲۱/۹	۶۳/۱	۳/۵	۰	افزایش انگیزه برای ادامه زندگی در محل	

ابعاد	مؤلف‌ها	میزان تأثیرگذاری (درصد)					
		کمترین	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	
ابعاد	کاهش انگیزه تولید محصولات کشاورزی	۰	۶/۲	۵۲/۳	۳۵/۸	۵/۸	۱۰۰
	بالا رفتن انگیزه جوانان برای سکونت و اشتغال	۰	۱۳/۵	۴۸/۸	۳۳/۱	۴/۶	۱۰۰
	افزایش مهاجرت روستاییان به شهر	۰/۸	۱۲/۳	۳۹/۲	۳۹/۲	۸/۵	۱۰۰
کالبدی و اکولوژیکی	افزایش تعداد کارگاه‌های صنعتی	۱۵	۴۵/۴	۳۰/۸	۸/۸	۰	۱۰۰
	ایجاد فضاهای درمانی و بهداشتی و سهولت دسترسی به آنها	۱/۹	۱۷/۷	۳۸/۱	۳۵/۴	۶/۹	۱۰۰
	افزایش تعداد انبارها	۱۷/۳	۳۳/۸	۳۷/۷	۱۰/۴	۰/۸	۱۰۰
	افزایش تعداد مراکز تعمیر خودرو	۹/۶	۲۴/۶	۵۱/۹	۱۲/۳	۱/۵	۱۰۰
	تغییر بافت سکونتگاه	۰/۸	۵	۳۴/۲	۴۰	۲۰	۱۰۰
	گسترش فیزیکی ناموزون شهر	۱/۹	۵	۴۳/۵	۲۵	۲۴/۶	۱۰۰
	گسترش اسکان غیررسمی (افزایش ساخت‌وساز بدون نظارت دولت)	۱/۲	۵/۸	۳۹/۲	۳۲/۷	۲۱/۲	۱۰۰
	کاهش اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی و تغییر کاربری آنها	۱/۲	۱۲/۳	۳۲/۷	۴۰/۴	۱۳/۵	۱۰۰
	افزایش آلودگی محیط	۸/۵	۱۸/۸	۳۴/۲	۳۰	۸/۵	۱۰۰
	افزایش وسایل نقلیه	۳/۱	۱/۵	۲۲/۷	۴۹/۲	۲۳/۵	۱۰۰
	تغییر چهره ظاهری خانه‌ها	۲۲/۳	۳۸/۵	۳۵/۸	۲/۷	۰/۸	۱۰۰
	افزایش ساخت‌وساز	۱۶/۹	۲۲/۷	۵۵	۵/۴	۰	۱۰۰
	افزایش مقاومت واحدهای مسکونی	۰	۲/۷	۴۹/۲	۳۲/۷	۱۵/۴	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

برای ارزیابی تأثیر فاصله روستاهای الحاقی از مرکز شهر و سمت‌وسوی توسعه برنامه‌های شهری در میزان این ادغام ابتدا میزان این ادغام به تفکیک ابعاد اقتصادی و اجتماعی و کالبدی و کلی هر روستای ادغامی با استفاده از تحلیل آماری متغیرهای مورد بررسی مشخص گردید و سپس با استفاده از ضریب همبستگی، رابطه میزان ادغام و فاصله تعیین شد.

نتایج بررسی نشان می‌دهد که تفاوت عمده‌ای بین سکونتگاه‌های الحاقی از نظر پذیرش آثار و پیامدهای الحاق در شهر وجود دارد، به گونه‌ای که چه بسا بتوان گفت برخی از آنها صرفاً به شهر ملحق شده‌اند. یا به تعبیر دیگر برخی کاملاً در شهر ادغام شده‌اند، به گونه‌ای که یکی از محله‌های شهر شناخته می‌شوند و برخی صرفاً از نظر یکی از ابعاد توسعه پایدار (کالبدی و اقتصادی یا اجتماعی) در شهر ادغام شده‌اند. در این بررسی، میزان ادغام هر یک از روستاها به تفکیک اجتماعی و اقتصادی و کالبدی سنجیده شده و سپس با استفاده از نتایج آن میزان ادغام هر روستا در سه حالت "قوی و متوسط و ضعیف" طبقه‌بندی گردیده است. یافته‌ها نشان داد که روستای زیدی بیش از بقیه روستاها در شهر ادغام شده است؛ و چهار روستای فین کوچک، فین بزرگ، دیزچه و لتحر وضعیت متوسطی داشته‌اند؛ و میزان ادغام روستاهای خزاق و طاهرآباد ضعیف بوده است و اینها صرفاً به شهر ملحق شده‌اند.

به منظور آزمون فرضیه، میزان ادغام روستاهای مورد مطالعه بر مبنای تأیید (معنی‌دار بودن) تأثیرپذیری روستاها از ادغام روستا در شهر در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و کالبدی<sup>۱</sup> در هر یک از روستاها تعیین شد. اگر تأثیرپذیری در هر سه بعد مذکور انجام گرفته باشد، ادغام کامل یا قوی ارزیابی شده است؛ اگر در دو بعد بوده، متوسط؛ و اگر در یک بعد تأثیرگذار بوده، ضعیف ارزیابی گردیده است. نتایج این آزمون را می‌توان در جدول ۹ مشاهده کرد.

---

۱. با توجه به تعریف ادغام اجتماعی، که به مفهوم میزان تطابق رفتارهای فردی و گروه‌های جزئی با چیزی است که جمع انتظار و توقع دارند (آلن بیرو، ۱۳۶۶، ۱۸۴)، در این بحث به صورت خلاصه می‌توان اظهار داشت که ادغام اجتماعی به مفهوم یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی و ایجاد هویت مشترک و واحد است. فرانسوا پرو «ادغام اقتصادی» را به معنای همبستگی فزاینده، وابستگی متقابل و تعمدی، حتی وحدت بین تعدادی از دیدگاه‌های اقتصادی می‌داند. (آلن بیرو، ۱۳۶۶، ۱۰۳). در اینجا نیز منظور از ادغام اقتصادی، ایجاد پیوندها و همبستگی اقتصادی بین فعالان اقتصادی سکونتگاه‌های الحاقی با شهر است. وقتی که در جوامع یکپارچگی فضایی از طریق روابط فیزیکی و شبکه‌های حمل‌ونقل به وجود آید، ادغام کالبدی فیزیکی رخ داده است. در این وضعیت تغییر بافت کالبدی روستا سبب می‌شود که روستاها با شهرها از نظر شکل ظاهری ساختمان‌ها و خیابان‌ها و جز اینها، تفاوتی نداشته باشند.

جدول ۹. آزمون میزان ادغام روستاهای مورد مطالعه به تفکیک ابعاد اقتصادی و اجتماعی و کالبدی

نام روستا	فاصله تا مرکز شهر (کیلومتر)	ابعاد	درجه آزادی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری (Sig)
زیدی	۳	اقتصادی	۷۹	۳۱/۵۶۲۵	۱۵/۵۸۰	۰/۰۰۰
		اجتماعی	۷۹	۳۲/۲۱۲۵	۱۳/۳۶۸	۰/۰۰۰
		کالبدی	۷۹	۹/۹۸۷۵۱	-۱۰/۶۶۲	۰/۰۰۰
فین کوچک	۵	اقتصادی	۴۴	۲۸/۴۲۲۲	۱/۶۶۳	۰/۱۰۳
		اجتماعی	۴۴	۳۲/۸۴۴۴	۹/۹۹۷	۰/۰۰۰
		کالبدی	۴۴	۱۹/۹۷۷۸	-۴/۴۹۷	۰/۰۰۰
فین بزرگ	۴	اقتصادی	۳۹	۲۹/۱۷۵۰	-۱/۶۹۰	۰/۰۹۹
		اجتماعی	۳۹	۳۱/۵۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۰۵
		کالبدی	۳۹	۲۲/۸۰۰۰	-۳/۰۳۲	۰/۰۰۴
دیزچه	۴	اقتصادی	۲۴	۳۴/۲۸۰۰	۲/۰۹۹	۰/۰۴۷
		اجتماعی	۲۴	۳۱/۴۰۰۰	۲/۲۳۲	۰/۰۱۵
		کالبدی	۲۴	۲۱/۰۸۰۰	-۹/۶۳۶	۰/۰۰۰
لنجر	۵	اقتصادی	۳۹	۲۷/۸۷۵۰	-۹/۶۲۸	۰/۰۰۰
		اجتماعی	۳۹	۲۹/۶۷۵۰	-۱/۰۹۰	۰/۲۸۳
		کالبدی	۳۹	۲۳/۲۲۵۰	-۳/۱۴۱	۰/۰۰۳
طاهر آباد	۱۲	اقتصادی	۱۹	۲۴/۳۰۰۰	-۶/۶۸۶	۰/۰۰۰
		اجتماعی	۱۹	۳۰/۱۰۰۰	۰/۱۵۲	۰/۸۸۰
		کالبدی	۱۹	۲۲/۶۰۰۰	-۲/۸۳۳	۰/۰۹۹
خزاق	۱۳	اقتصادی	۹	۲۷/۲۰۰۰	-۵/۷۱۵	۰/۰۰۰
		اجتماعی	۹	۲۹/۰۰۰۰	-۱/۹۳۶	۰/۰۸۵
		کالبدی	۹	۲۰/۵۰۰۰	-۲/۸۴۲	۰/۰۷۰

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۸

برای درک رابطه بین فاصله نقاط روستایی تا مرکز شهر، که متغیری نسبی است، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بین دو مؤلفه میزان فاصله روستا از مرکز شهر با نتیجه آزمون T ابعاد کالبدی ضریب همبستگی  $0/439$  - و سطح معناداری  $0/00$  است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای  $0/01$  کمتر است، بنابراین می‌توان گفت که بین این دو معیار همبستگی مستقیم معکوس با سطح اطمینان  $0/99$  وجود دارد. این بدان معناست که با احتمال  $0/99$  کاهش فاصله سبب افزایش تأثیرپذیری روستا از ادغام شده است. نتایج مطالعه بیانگر تأثیرگذاری بیشتر فاصله در ابعاد اجتماعی است. ضریب همبستگی اسپیرمن  $0/687$  - و سطح معناداری  $0/004$  است.

از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای  $0/01$  کمتر است، بنابراین می‌توان گفت که بین دو معیار فاصله روستاهای مورد مطالعه و متغیرهای اجتماعی، همبستگی وجود دارد. این وضعیت در مورد متغیرهای اقتصادی نیز صدق می‌کند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که هر چه فاصله نقاط روستایی تا مرکز شهر نزدیک‌تر باشد، تأثیر ادغام بر متغیرهای اجتماعی بیشتر است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. همبستگی بین فواصل نقاط روستایی و متغیرهای مورد استفاده

با آزمون همبستگی اسپیرمن

اجتماعی	اقتصادی	کالبدی	متغیرها	
$0/687$ **	$0/182$ *	$0/439$ **	ضریب همبستگی	رابطه فاصله روستاها تا مرکز شهر
$0/004$	$0/03$	$0/00$	سطح معناداری	
۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰	تعداد مشاهدات	

\* معناداری در سطح  $0/05$

\*\* معناداری در سطح  $0/01$

جدول ۱۱. همبستگی بین میزان فاصله روستاها و میزان ادغام روستاها در شهر، و متغیرهای مورد استفاده با آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیر	مقدار همبستگی	سطح معناداری
اقتصادی و اجتماعی و کالبدی	-۰/۵۷۳	۰/۰۳۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

به طور کلی برای درک رابطه بین میزان فاصله روستاها و میزان ادغام روستاها در شهر کاشان با توجه به ابعاد اقتصادی - اجتماعی و کالبدی، مقدار همبستگی  $-0/573$  و سطح معناداری آن  $0/035$  است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از میزان خطای  $0/05$  است، بنابراین می‌توان گفت که بین دو معیار فاصله روستاهای مورد مطالعه و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و کالبدی، همبستگی وجود دارد (جدول ۱۱). در مجموع می‌توان اظهار داشت که هر چه فاصله نقاط روستایی از مرکز شهر کمتر باشد، تأثیر ادغام بیشتر است.

### نتیجه‌گیری

در ایران شهرها معمولاً پیوند مستحکمی با فضای پیرامون و یا با روستاهای اطراف، یا ناحیه‌ای که در آن تکوین یافته‌اند، دارند. هر عاملی که به توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرها بینجامد، بازتاب آن را می‌توان در چشم‌انداز جغرافیایی روستاها و رشد ناهمگون آنها یافت. شهرهای ایران ضمن شکل‌پذیری از ناحیه جغرافیایی‌شان، به شکل‌دهی و سازمان‌بخشی همه روستاها و شهرک‌های اطراف خود می‌پردازند.

تحولات اخیر در سطح اقتصادی و اجتماعی و همچنین افزایش شتابان شهرنشینی، توزیع نامتعادل جمعیت، بروز مشکلات متعدد در شهرها، افزایش بیکاری در روستاها، عقب‌ماندگی روستاها، مهاجرت از روستاها به سمت شهرها و رشد و گسترش فضایی شهرها را به دنبال دارد. از سوی دیگر، جذب جمعیت شهر و روستاهای مهاجرفرست به روستاهای پیرامونی شهر که به

امکانات و تأسیسات شهری دسترسی دارند، سبب گسترش این روستاها به سوی شهر شده است و هر دوی اینها (روستا و شهر) با سرعت متفاوتی به سوی هم پیشروی می‌کنند، و سرانجام در صورت وجود شرایط مناسب در همدیگر ادغام می‌شوند. این پدیده، بیشتر نواحی ایران و از جمله شهرکاشان را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

نتایج مطالعه نشان داد که تفاوت عمده‌ای بین روستاهای الحاقی از نظر پذیرش آثار و پیامدهای الحاق در شهر وجود دارد، به گونه‌ای که چه بسا بتوان گفت که برخی از آنها صرفاً به شهر ملحق شده‌اند و برخی دیگر کاملاً در شهر ادغام گشته‌اند و همچون محله‌ای از محله‌های شهر شناخته می‌شوند. برخی نیز صرفاً با یکی از ابعاد توسعه پایدار (کالبدی و اقتصادی یا اجتماعی) در شهر ادغام شده‌اند. بین میزان ادغام روستا در شهر (از ابعاد کالبدی و اقتصادی و اجتماعی) و فاصله روستای ادغامی تا مرکز شهر، رابطه معنی‌داری به چشم می‌خورد. این در حالی است که میزان ادغام در هر یک از روستاها بر اساس شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی سنجیده شد و مشخص گردید که اگر سمت‌وسوی توسعه فیزیکی - کالبدی شهر نیز رو به روستایی باشد که فاصله‌ای کمتری تا مرکز شهر دارد، میزان ادغام بیشتر صورت می‌گیرد. آن‌گونه که مشاهدات میدانی نشان می‌دهد، توسعه فیزیکی - کالبدی شهر به سمت زیدی و فین کوچک و بزرگ صورت گرفته و باعث ادغام هرچه بیشتر آنها در شهر کاشان شده است.

با تأیید فرضیه تحقیق، مشخص شد که یکی از عوامل مؤثر بر تفاوت‌های موجود در زمینه آثار ناشی از الحاق روستا در شهر همانا فاصله روستاها از مرکز شهر است. این نتیجه مبین نظر شکویی در زمینه تأثیر متقابل فاصله میان دو مکان، نظریه روانشتاین، نقش فاصله در نظریه پخش یا پراکنش و مکان مرکزی و همچنین نظر فیروزنیا (۱۳۸۵) در زمینه تأثیر فاصله در میزان ارتباط مهاجران با زادگاه‌شان است. بنابراین می‌توان بدین نتیجه رسید که یکی از عوامل مؤثر بر میزان ادغام روستای الحاقی با شهر، فاصله روستا تا شهر است. به عبارت دیگر، هرچه فاصله روستاهای الحاقی تا مرکز شهر کمتر باشد، میزان ادغام در شهر بیشتر است.

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، می‌توان دو الگو را برای فرایند الحاق و ادغام ارائه کرد: نخست اینکه روستا و شهری که در جوار همدیگر قرار دارند، در فرایندی طبیعی به مرور به هم نزدیک می‌گردند و به تدریج در یکدیگر تنیده می‌شوند. در این مرحله تصمیم‌گیران با پذیرش این فرایند و تصویب الحاق روستا به شهر زمینه مناسب‌تری را برای ادغام فراهم می‌سازند، یا به عبارت دیگر، روند جاری را به رسمیت می‌بخشند.

دوم اینکه شهر و روستا در فاصله نسبتاً نزدیکی به یکدیگر قرار دارند، و شرایط طبیعی و اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای است که نزدیک شدن این روستاها به کندی انجام می‌گیرد؛ ولی تصمیم‌گیران معمولاً پیشدستی می‌کنند و با ابزارهایی مانند تصویب‌نامه و جز آن، روستا را به شهر ملحق می‌سازند. در این الگو روستا از نظر قانونی به شهر ملحق می‌شود ولی ادغامی انجام نمی‌گیرد. و جز آن، ممکن است با گذشت زمان و استمرار گسترش فیزیکی شهر و روستا به سوی یکدیگر به مرور ادغام انجام پذیرد و یا اینکه روستای الحاقی به شهر به عنوان محله‌ای مستقل در حاشیه و یا در درون شهر باقی بماند. به تعبیر دیگر چه بسا هیچ وقت این ادغام به شکل کامل انجام نگیرد.

با توجه به بررسی انجام گرفته، می‌توان اظهار داشت که در صورت توجه به برخی نکات، می‌توان بستر مناسب‌تری را برای ادغام روستاهای الحاقی به شهر فراهم کرد و به نتایج توسعه‌ای بیشتری دست یافت؛ از این دست‌اند:

- بررسی جامع‌تر و تفصیلی‌تر موضوع الحاق و ادغام روستاها در شهر از ابعاد مختلف؛
- بهبود سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات بین سکونتگاه‌های الحاقی و شهر، به ویژه برای آن دسته از روستاهایی که فاصله بیشتری تا مرکز شهر دارند؛
- پذیرش نقش مردم به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیرو برای بهبود شرایط روستای الحاق شده؛ و

- ساماندهی تبدیل اراضی کشاورزی به کاربری‌های دیگر در روستاهای الحاقی.

## منابع

- بدری، علی، ۱۳۸۰، ارزیابی پایداری راهبرد اسکان مجدد روستایی نمونه موردی: مجموعه ادغامی آب‌بر، رساله دکتری به راهنمایی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس.
- پارسی، حمیدرضا، ۱۳۸۱، شناخت محتوای فضای شهری، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۴۹-۴۱.
- پوراحمد، احمد، یدقار، علی و حبیبی، کیومرث، ۱۳۸۲، بررسی روند و الگوی توسعه شهری سنندج با استفاده از GIS و RS، هنرهای زیبا، شماره ۱۶، زمستان، صص ۳۲-۱۵.
- پیلهور، علی‌اصغر و پوراحمد، احمد، ۱۳۸۳، روند رشد و توسعه کلان‌شهرهای کشور مطالعه موردی: شهر مشهد، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، صص ۱۲۱-۱۰۳.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی، شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)، پژوهش‌های روستایی، بهار، شماره ۱، دوره ۱، صص ۶۵-۳۳.
- رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۶۹، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، صص ۵۴-۳۸.
- زنجانی، حبیب‌آباد...، ۱۳۸۰، مهاجرت، سمت، تهران.
- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، سمت، تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۵، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سیدمهدی، ۱۳۸۴، مبانی جغرافیای شهری، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- صادقی، اعظم، ۱۳۸۸، مطالعه تطبیقی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی ادغام روستا در شهر، مطالعه موردی: روستاهای ادغامی در شهر کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی قدیر فیروزنیا، دانشگاه پیام‌نور مرکز گنبد.

صالحی، اسماعیل، ۱۳۸۵، نقش ضوابط و مقررات شهرسازی در تحقق شهر خوب و توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: تهران، محیط‌شناسی، سال سی‌ودوم شماره ۴، صص ۶۲-۵۱.

طاهرخانی مهدی و افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، ۱۳۸۳، تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین، نشریه مدرس، شماره ۳۵، صص ۱۱۲-۷۹.

ضیاء توانا، محمدحسن و امیرانتخابی، شهرام، ۱۳۸۶، روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۲۸-۱۰۷.

ضیاء توانا، محمدحسن و قادرمزی، حامد، ۱۳۸۸، تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرایند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن آباد سنندج، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۱۳۵-۱۱۹.

فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز.

فروودی، رحمتا... و محمدی، اکبر، ۱۳۸۴، روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی و تنگناهای شهرسازی در سنندج، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، پاییز، صص ۹۸-۸۷.

فیروزنیا، قدیر، ۱۳۸۵، تبیین استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما محمدحسن ضیاء توانا و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری.

کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، انتشارات خوشبین، تهران.

گلی، علی، ۱۳۸۳، تحلیل فرآیند گذار از روستا به شهر و طراحی مدلی برای شناسایی روستاهای در حال گذار در ایران، رساله دکتری به راهنمایی علی عسگری، دانشگاه تربیت مدرس.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج تفصیلی سرشماری شهرستان کاشان.

موحد، علی، ۱۳۸۸، بررسی جهت‌های توسعه مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز با استفاده از GIS و RS، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، زمستان، صص ۲۸-۱۵.

نیکوآقبال، علی اکبر، ۱۳۷۸، برگزیده نظریه‌های سازمان و مدیریت، سمت، تهران.

Doygun, H., 2005, **Urban Development in Adana, Turkey, and its Environmental Consequences**, International Journal of Environmental Studies, Rutledge, Vol. 62, No. 4, PP. 24-133.

Hamilton, D.K., 1999, **Governing Metropolitan Area, Response ton Growth and Change**, New York, Taylor & Francis Group, PP. 24\_182.

IIU Shenghe, Sylvia Prieler, LI Xiubin, 2002, **Spatial Patterns of Urban Land Use Growth in Beijing**, Journal of Geographical Sciences 12, 3, PP. 266-274, ISSN:1009-637X.

Lungo, M., 2001, **Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America, Land Lines**, Volume 13, No. 2, PP. 28\_39.

Population Division of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat, 2004, **World Population Prospects**, Available at:[www.UN.org.unpp](http://www.UN.org.unpp)(March 2004).

Archive of SID